



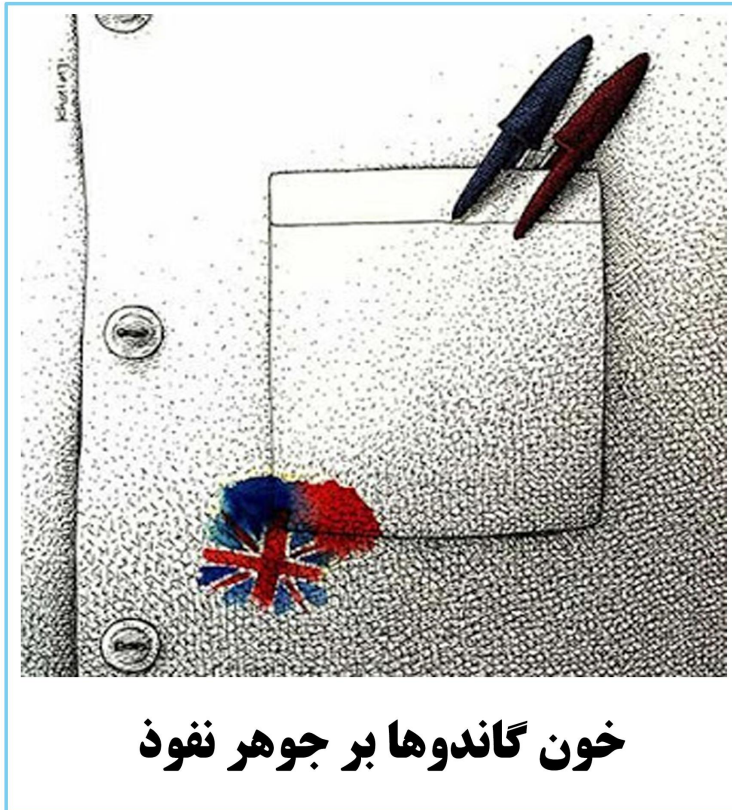
بانوی امین



بانو سیده نصرت امین اولین بانوی مجتهد جهان اسلام بودند و اصالتاً اهل اصفهان بودند پدرشان از تاجر به اصفهان و مادرشان از خانمهای متدین اصفهانی بودند.

بانو امین تحصیلات خود را از ۴ سالگی آغاز کردند و از همان ابتدای شروع تحصیل دارای استعداد و علاقه و ذوق به آموختن و مطالعه کتاب بودند به طوری که در همان ابتدای کودکی آنقدر کتاب می خواندند که دوستانشان به ایشان می گفتند که کمی به بازی کردن هم بپردازد علاقه مندی بانو امین به آموختن حتی پس از ازدواج با پسر عمویش که از تاجر خوشنام اصفهان بود با حمایت همسرش ادامه پیدا کرد و در نهایت منجر به این شد که بانو امین در سن چهل سالگی به درجه اجتهاد برسند از فعالیتهای خیریه بانو امین تاسیس مکتب "فاطمه (س)" که حوزه علمیه مخصوص خانمها بود در سال ۱۳۴۴ می توان اشاره کرد که در حوزه بالغ بر هزار شاگرد خانم تحصیل می کردند و هیچ کدام شهریه پرداخت نمی کردند. حتی هزینه های جانبی حوزه را هم بانو امین شخصاً پرداخت می کردند در این حوزه فقه حکمت، اصول، فلسفه عرفان و... تدریس می شد. بانو امین با توجه به شرایط کشف حجاب که آن زمان از سیاست های رایج پهلوی بود و با توجه به اهمیت دادن به سواد آموزی دختران اقدام به تاسیس دبیرستان دخترانه مخصوص خانواده های مذهبی اصفهان کردند.

در برهه زمانی سال ۱۳۴۴ که بعد از شکست ملی شدن صنعت نفت و اوج خفقان حکومت پهلوی بود رواج کارخانه ها و خانه های فساد و اوضاع اسفناک فرهنگی سیاسی اجتماعی کشور و ایام کشف حجاب بود تاسیس دبیرستان دخترانه و حوزه علمیه بانوان که طبق دین و شریعت به دختران جوان خانواده های مذهبی درس میداد و علم می آموخت کار بسیار سختی بود که بانو امین انجام داد از برکات تاسیس حوزه بانوان تربیت شاگردانی چون بانوی مجتهده معصومه لطفی سرگزی همسر شهید آیت الله لطفی سرگزی، فخرالسادات قلمکاربان که در حال حاضر از اساتید حوزه علمیه بانوان هستند، بتول قاضی و خانم همایونی که بعد از رحلت بانو امین اداره امور دبیرستان دخترانه را برعهده داشتند و در اصفهان کتاب های بانو امین را تدریس می کردند می توان نام برد. بانو امین فعالیت های خیرانه دیگری نیز داشتند و می توان گفت که هیچگاه از حال مستمندان اطرافشان بی خبر نبودند و دستگیری از آنها می کردند. غالباً کارهای خیر بانو امین به صورت نو شناخته و در گمنامی انجام می شد بابت همین شناخت کافی از تمام کارهای خیر این بانوی خیر و عالم در دسترس نیست. بانو امین نهایتاً سال ۱۳۶۲ در اصفهان دعوت حق را لبیک می گویند، روحشان شاد.



خون گاندوها بر جوهر نفوذ

شهر مقدس قم نیز به اتفاق "الکس پین فیلد" با "علی ماهر" از اعضای ستاد مرکزی میرحسین موسوی ارتباط برقرار کرده و اخبار مربوطه را به خارج از کشور منتقل می کرد. اما این تنها انگلیس نبود که تلاش داشت با نفوذ در سیستم انتخاباتی ایران ، تحولی عظیم علیه نظام ایجاد کند و منافقین نیز از جمله گروهایی بودند که دگر بار فرصت را غنیمت شمرده و با دامن زدن به فضای ملتهب کشور سعی در به پایان رساندن اهداف خود در ایران داشتند. شواهد موجود نشان می دهد سرکرده سازمان منافقین به رده های مختلف تشکیلات دستور به آشوب کشاندن خیابان های تهران را صادر کرده بود که سرانجام این فتنه هم به مقصد نرسید و در پی شدت گرفتن اغتشاشات و توهین به مقدسات در روز عاشورا (آتش زدن علم ها و علامت های روز عاشورا) مردم ۹ دی ماه در حمایت از نظام و انقلاب وارد میدان شدند و به فتنه همه جانبه دشمنان و نفوذ در کشور پایان دادند. واما همه و نفوذ دشمن باز موفق شدند تا به ستادهای انتخاباتی کاندیداهای خاص نفوذ کنند. در این زمینه "الکس پین فیلد" دبیر اول سیاسی سفارت انگلیس با برخی اعضای "حزب اعتماد ملی" و نیز با اعضای ستاد انتخاباتی نامزدهای خاص ملاقات هایی داشت و "تام برن" دبیر دوم سفارت هم تحت پوشش توریست به ستاد انتخاباتی چند تن از نامزدهای دوره دهم ریاست جمهوری رفت و آمد می کرد. براساس اعتراضات "محمدحسین رسام" تحلیلگر ارشد سفارت انگلیس، آنان همچنین تلاش کردند تا در میان روشنفکران نفوذ کنند. طبق اعتراضات رسام، سفارت انگلیس به دلیل ترس از افزایش نفوذش در منابع داخلی، اقدام به ارتباط گیری از طریق کارکنان محلی می کرد. به همین دلیل به وی و سایر کارکنان دستور داده شد تا با ایجاد شبکه های گسترده به تامین اخبار و اطلاعات مورد نیاز انگلیس اقدام کنند. براساس آنچه که بعدها کشف شد، پیش و پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم، محمدحسین رسام به اتفاق "آرش مؤمنیان" وظیفه ملاقات با فعالین قومی و سیاسی، نمایندگان احزاب و تشکل های سیاسی اقلیت های مذهبی، تشکل های غیردولتی، ارتباط گیری با برخی افراد در رده های مدیریتی و مهم کشور، حوزه های علمیه و دانشگاه ها را برعهده داشتند. رسام علاوه بر اینکه به همراه "تام برن" و "شون مورفی" دیپلمات سفارت استرالیا، در دفاتر تبلیغاتی موسوی تردد می کرد در

یکی از مهم ترین نفوذ ها در تاریخ انقلاب اسلامی ایران ، در کشاکش دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۸ رخ داد. انتخابات سال ۸۸ با مشارکت ۸۵ درصدی مردم در آغاز چهارمین دهه انقلاب اسلامی ، اگر چه می توانست به عنوان یک فرصت طلایی تیر خلاصی به پروژه های مختلف مقابله غرب و پشتوانه محکمی برای نظام جمهوری اسلامی ایران باشد اما ، با بروز حوادثی این اتفاق شیرین به یک خاطره تلخ تبدیل شد. حوادثی که عده ای آن را حاصل نقشه ای از پیش طراحی شده از سوی دشمنان می دانستند و عده ای دیگر منشاء آن را مناظره های انتخاباتی نامزدها بخصوص مناظره میرحسین موسوی و محمود احمدی نژاد قلمداد می کردند که فضای انتخاباتی آن روز ها را به این التهاب کشانده بود. گر چه از تنش زایی مناظرات نمی توان غافل شد اما شواهد موجود نشان می دهد در گرماگرم رقابت انتخاباتی، برخی از رابطین امنیتی سفارتخانه های اروپایی موفق شدند تا به ستادهای انتخاباتی کاندیداهای خاص نفوذ کنند. در این زمینه "الکس پین فیلد" دبیر اول سیاسی سفارت انگلیس با برخی اعضای "حزب اعتماد ملی" و نیز با اعضای ستاد انتخاباتی نامزدهای خاص ملاقات هایی داشت و "تام برن" دبیر دوم سفارت هم تحت پوشش توریست به ستاد انتخاباتی چند تن از نامزدهای دوره دهم ریاست جمهوری رفت و آمد می کرد. براساس اعتراضات "محمدحسین رسام" تحلیلگر ارشد سفارت انگلیس، آنان همچنین تلاش کردند تا در میان روشنفکران نفوذ کنند. طبق اعتراضات رسام، سفارت انگلیس به دلیل ترس از افزایش نفوذش در منابع داخلی، اقدام به ارتباط گیری از طریق کارکنان محلی می کرد. به همین دلیل به وی و سایر کارکنان دستور داده شد تا با ایجاد شبکه های گسترده به تامین اخبار و اطلاعات مورد نیاز انگلیس اقدام کنند. براساس آنچه که بعدها کشف شد، پیش و پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم، محمدحسین رسام به اتفاق "آرش مؤمنیان" وظیفه ملاقات با فعالین قومی و سیاسی، نمایندگان احزاب و تشکل های سیاسی اقلیت های مذهبی، تشکل های غیردولتی، ارتباط گیری با برخی افراد در رده های مدیریتی و مهم کشور، حوزه های علمیه و دانشگاه ها را برعهده داشتند. رسام علاوه بر اینکه به همراه "تام برن" و "شون مورفی" دیپلمات سفارت استرالیا، در دفاتر تبلیغاتی موسوی تردد می کرد در



سفره ی گرمانه

محبوبم ! نمی دانم دنیای بی تو ما را چه می شد ! اما اکنون که هستی ، من شیدا ترینم. اصلاً چگونه شیدا نیاشم وقتی در ستاره بارانی حاجت ها من زائر بارانی دست های توام ، دست هایی که مهربانی اش نقل زمین و آسمان است. امیدم ! نخواه دست خالی بمانم ، که در مرام تو رد کردن دست های خالی جای ندارد. این را نه من بلکه روایت ها گفته اند ، اصلاً کدام قسمت از روایت زندگی ات را بخوانم که سخن از نگاه گرمانه ات نباشد ؟! بگذار خودم بگویم ، هیچ کدام ، هر نقطه از زندگی ات را که ورق بزنم جز مردی مهربان که کرامت را خرج نگاه های درد مند می کرد هیچ نخواهم دید. مردی که با جزایمان مسفره می شد ، به سگ غذا می داد ، بی آنکه نامه سائل را بگشاید حاجت اش را روا می کرد و سه بار همه اموالش را در راه خدا بخشید. مهربانم ! چگونه شکرگذار لحظه حضور تو در این دنیا باشم؟! چگونه سیاستگزار یکنانه خالق هستی نیاشم ؟! وقتی تو را خلق کرد تا مرهم دل های دردمند و ملجاء سالان بی پناه باشی. چگونه دل داده تو نیاشم ؟! وقتی این سایه و نگاه گرمانه توست که مرا جرأت زیستن می دهد ، رزق روزگارم را می رساند و روشنایی را برآیم به ارمغان می آورد. و گرته روزگار ظلمات بی تو را چه ارزش زندگانی! ساده بگویم فکر کردن به روزگاری که من باشم و سایه مهر تو نباشد وجودم را می لرزاند. آقایام ! مباد در حساب و کتاب هایت مرا تفریق کنی ، مباد من از کوی تو جدا باشم ، که به قول شاعر :

تو درد داده ای و تو طیبید مردی
به جز تو درد مرا هیچکس دوا نکند
مولایم ! همه این ها پنهان است که در حوالی میلادت ، یادم باید از که عزت مند این دنیایم. راستی شیرینی حضورت بالای سر ما تو کرها مبارک ! ای زندگی من ! یا کریم اهل بیت ، یا حسن بن علی (ع).



اثر کمک به نیازمندان



اگر می خواهی بدون گریه، بخندی من به تو پیاموزم. «پیاموزم تو را گر گز کاربندی؛ که بی گریه زمانی خوش بخندی؛ چو خندان کردی از فرخنده فالی؛ بخندان تنگدستی را به مالی» نظامی راهش را نشان داده است؛ که باید شادیات را تقسیم کنی؛ هر چه که به تو رسید، باید خرج کنی و ذخیره نکنی «يَكْبُرُونَ الذَّهَبَ وَالْفَنَاءَ» شامل شادی هم می شود. یعنی شما هر چیز قیمتی را، اگر برای خودت به طور اختصاصی ذخیره کردی، ضایع و باطل می شود و از شما می گذرد و به دیگران هم نمی رسد... استاد حسین الهی قمشه ای

گرگ و میش



خوب ، بد ، جلف ۲



یکی از موضوعاتی که این روزها در لابلای مباحث انتخاباتی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به وفور یافت می‌شود، دوقطبی‌سازی بر اساس پیشه و لباس نامزدها فارغ از ارزیابی عملکرد آنهاست، به این معنا که فرد را صرف بر تن داشتن لباس نظامی، طلبه، دانشگاهی یا... از دایره صلاحیت خارج کرده و دوقطبی این و آن راه انداخته‌اند. دقیقاً روندی که در سال‌های گذشته برای تخریب چهره رقیب و پوشاندن ناکارآمدی‌های گروهی خاص در پیش گرفته شده بود. این در حالی است که بررسی سابقه عملکرد و مدیریت افراد و جریان‌ها منطقی و محدود در لباس و پیشه آنها نیست و عوامل بسیاری وجود دارد که گزینش اصلح باید بر اساس آنها صورت بگیرد. بسیار روشن است که تلاش گروه‌هایی که به دنبال القاء رویکرد «ارزیابی کاندیداها بر اساس لباس و پیشه آنها» هستند تلاش می‌کنند تا با نفی دیگران مسیر اثبات خود یا کاندیدای مورد نظرشان را هموار نمایند. به طور قطع تبعیت از گزاره‌های سلبی آن هم از نوع دسته‌بندی‌های ظاهری و نه ماهیتی و عمیق، نمی‌تواند به درک درست از توانمندی‌های واقعی کاندیداها منجر شود و مسیری تحقیرآمیز است. از سویی؛ دمیدن در چنین فضا سازی‌هایی عملاً این گزاره را القاء می‌کند که «یک فرد» یا «یک جریان» به تنهایی می‌تواند کشور را اداره کرده و از مشکلات عبور دهد، در حالی که سابقه چهار دهه گذشته نشان داده که چنین نگاه‌های غیر جامع و یک‌سویه‌ای هرگز موفق نبوده و نتوانسته مطالبات مردم و نظام را برآورده کند. بدون شک عقل سلیم، نگاه غیرجناحی و اولویت دادن به نیازها و منافع ملی حکم می‌کند که برای رسیدن به نقطه مطلوب از تمام ظرفیت‌های موجود داخل کشور استفاده شده و جریان‌های مختلف بر این اساس به معرفی خود به مردم بپردازند تا کشور بتواند از این پیچ تاریخی به راحتی عبور کند.

دَرِ گوشه



خاطره حضور



نوشتن و عکاسی کردن تمام دنیایش بود... آن شب اما حال غریبی داشت دوخط می‌نوشت و پاک می‌کرد... نهایت کاری که از دستش بر می‌آمد این بود که نهایتاً یک صفحه بنویسد آخر هم مجاله اش کند و بنادزد داخل سطل آشغال... نه انگار نمیشد... با خودش فکر کرد یک ساعتی را از نوشتن فاصله بگیرد تا طولانی که در ذهنش شکل گرفته بود آرام شود... آلبوم عکس‌ها را از کشو درآورد... ورق زد و ورق زد تا رسید به بخش عکس‌های حرم... گویی امشب تصمیم گرفته بود فقط با حرم خاطره بازی کند و اندک توجهی هم به بقیه عکس‌ها نکرد از گوشه به گوشه حرم امام غریب عکس داشت: از کاشی کاری‌های صحن انقلاب گرفته تا صحن قدس... حرف از صحن هاشد چقدر دلننگ روضه‌های شبانه شبانه حضرت زهرا در صحن قدس بود آن روضه‌ها را با هیچ چیز عوض نمی‌کرد

آلبوم اما خالی بود از صحن جدید پیامبر اکرم و معلوم نبود کی میشد که برود حرم عکس صفحه پنجم

عکس واضح و کاملی از حرم بود گفت: یا امام رضا سلام... هر وقت به مشکلی برامون پیش می‌ومد می‌گفتم بریم امام رضا حل میکنه... این روزها به گمونم فراموشمون کردی آقا. این روزها اگه کسی از بیمون خدایی نکرده مریض بشه دیگه نمیتونیم بیاییم پنجره فولاد رو بگیریم و دخل ببندیم خب مگه دست ماست... دست دلنومه که همش دلننگ موندن تو حرم تا سحر میشه... روی کاغذ نوشت: تمام افکارمان خلاصه شده در حرم... کاش آقا دعا کند این ویروس منحوس از جهان رخت ببندد و ما بی دغدغه دوباره طعم شیرین زیارت را بچشیم...

طاقچه



غنچه دلنگ



«غنچه دلنگ» جلد چهارم از مجموعه چهارده جلدی «سیره کاربردی چهارده معصوم(ع)» یا «سبک زندگی معصومین(ع)» است که برخی از مجلداتش در دهه ۸۰، برنده جایزه یا کاندیدای جایزه کتاب سال حوزه علمیه قم شدند. در این مجموعه سعی می‌شود مسایل مختلف زندگی از دیدگاه اهل بیت(ع) بیان شود و هدف این مجموعه پاسخ به این سؤال است که در روزگار امروز و برای انسان قرن بیستم و یکم چگونه اهل بیت(ع) می‌توانند الگو باشند و چگونه آنها می‌توانند گرهی از زندگی مردم باز کنند. این سیره کاربردی که بیش از ۵۰ موضوع مثل سیمای ظاهری، سیمای باطنی، سبک زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی و سیاسی، ماجرای صلح با معاویه، علل صلح و مفاد آن، نظرات ایشان درباره دشمنان، ارتباط با خدا، دیگران و طبیعت، حقوق مخالفان و حیوانات و... را شامل می‌شود، برای عموم مردم به ویژه جوانان و نوجوانان نوشته شده است. در بخشی از مقدمه کتاب آمده است:

«سلام بر لهجه مهربان آفتاب مدینه!

بر بارش بشارت بهار!

بر غنچه زار اوای الهی در هیاهوی نیازدگان!

بر سینه ابری تو و چشمان بارانی‌ات!

سلام بر زیبایی!

سلام بر حسن!

توثیق گرام



Ali Rajabi (@Ali_Rajabi)

اگر در صف رأی نایستیم ، برای ۴ سال آینده دوباره باید در صف مرغ و روغن بایستیم.

دولت سوم روحانی #



دو هفته نامه دانشجویی (گیلدخت)

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشگاه آزاد رشت

مدیر مسئول : مطهره تامینی

سر دبیر : زهرا حسینجانی

همکاران: مریم ستوده راد ،

محدثه کاظمی، فاطمه فتح الله زاده ،

زینب دانش ، خاطره عاشوری

@bsj_iaurasht